

فال حافظ و کارکردهای آن در علوم انسانی

وحید صالحی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

چکیده:

فال‌خوانی از دیوان حافظ به عنوان یک رفتار خاص اجتماعی است که در دانش عامیانه یا فولکلور قابل طرح و بررسی است. این سنت اجتماعی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی جلوه‌گر شده است که در همه موارد حکایت از نیاز انسان به دانستن آینده‌ی مبهم خود دارد. تقالید دیوان حافظ به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در تالیف روان فردی و اجتماعی ایفا می‌کند و در واقع از جمله اندوخته‌ها و امکانات و نهادهای فرهنگی است که ریشه در قرن‌ها زندگی مادی و معنوی ایرانیان دارد و توسل به آن در غلبه بر فشارهای روحی و روانی موثر است و به سلامت جامعه کمک می‌کند. برخی از کارکردهای تقالید دیوان حافظ عبارتند از: آرام بخشی، بهبود روحیه‌ی فردی و اجتماعی کاهش و تسکین آشفتگی‌های روحی و اختلافات جمعی و آینده نگری (پیشگویی). روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و برگرفته شده از روش هرمنوتیک و یلهام دیلتای و ماکس وبر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات تکنیک اسنادی (بدون عکس العمل) شامل دیوان حافظ و دیگر آثار مرتبط با آن می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تقالید دیوان حافظ به مثابه نمونه‌ای از عوامل، فرهنگی اجتماعی موثر در تنظیم و تعامل روانی - اجتماعی انسان‌ها در تأمین سلامت روانی افراد جامعه موثر است.

واژگان اصلی: حافظ، کارکرد اجتماعی، روح و روان، جامعه، فال‌خوانی.

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران.

مقدمه

نفوذ بیش جامعه‌شناسی در زمینه‌های مختلف زندگی انسان از اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم به طور عمیق و گسترده آغاز و منجر به پیدایش شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی از جمله جامعه‌شناسی، روستایی جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات و نظایر آن گردید. «حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی مانند جامعه‌شناسی، دین جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی هنر محصول تاملات جامعه‌شناسانه انسان قرن بیستم در حوزه‌ی فرهنگ است که هر کدام از آن‌ها به صورت یک نظام علمی با موضوع، هدف و روش‌های آن شناخته شده‌اند و مجموعه‌ی آن‌ها نظام گسترده‌تری به نام جامعه‌شناسی فرهنگ "*sociology of culture*" را تشکیل می‌دهند» (فاضلی، ۱۳۷۲: ۱۰۹). در این مقاله یکی از زیر مجموعه‌های جامعه‌شناسی فرهنگ یعنی جامعه‌شناسی ادبیات و به تعبیر دقیق‌تر جامعه‌شناسی ادبی یا جامعه‌شناسی در ادبیات بررسی و کارکرد اجتماعی فال حافظ تبیین می‌شود.

جامعه‌شناسی ادبیات "*sociology literature*" به مثابه شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی است که ساخت و کارکرد اجتماعی ادبیات و رابطه‌ی میان جامعه و ادبیات را بررسی می‌کند و مخصوصاً به موضوعاتی که در قلمرو ادبیات دارای جنبه کمی و مادی هستند می‌پردازد. اما جامعه‌شناسی در ادبیات یا جامعه‌شناسی متون ادبی "*sociological literature*" از روش‌های علوم ادبیات "*science of literature*" است؛ یعنی روشی انتقادی که به متن از سخن تا معناشناسی و به معنای آن توجه دارد. «این رشته که به متن روی می‌آورد و با توجه به پدیده‌های اجتماعی مانند ساختار ذهنی و شکل‌های آگاهی، در پی گسترش درک متن است در پیشرفت خود از ادبیات تطبیقی به جامعه‌شناسی و جهان‌نگری‌ها گذر می‌کند...» (پوینده، ۱۳۷۷: ۸۲).

به نظر لوسین گلدمن از دیدگاه جامعه‌شناسی متون ادبی هر اثر دارای چهار مشخصه‌ی اصلی است:

- ۱- منش دقیقاً منسجم آن که هم ارز مسائل اجتماعی زمانه است.
- ۲- غنای آن که به حداکثر آگاهی ممکن نویسنده مربوط می‌شود.
- ۳- منش واقعی یا ممکن مجموعه عناصری که اثر را تشکیل می‌دهد. پس اگر دنیای نویسنده شبیه واقعیت زمانه‌ی او نیست آرزوی گروه او را وصف می‌کند.
- ۴- منش غیر فلسفی اثر، چون هر اثر ارجمند راه‌های عملی نشان می‌دهد و به صورت مفاهیم فلسفی بیان می‌شود» (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۲۰).

بنابراین جامعه‌شناسی ادبی یا جامعه‌شناسی در ادبیات روشی مربوط به علم ادبیات یا علم

تاریخی - جامعه شناسی ادبیات می شود که در پی آن است تا بازتاب ویژگی های اجتماعی هر دوره ی تاریخی را در آثار ادبی بررسی کند. البته در این آثاری در خور دقت و تاملند که به درستی تصویرگر محیط پیرامون خالق بررسی اثر باشند. بدیهی است اثر پذیری از محیط و تاثیر شرایط محیطی بر آثار ادبی همیشه و برای همه یکسان نیست. «این تاثیر ممکن است به صورت های گوناگون درآید از سازگاری گرفته تا رد و شورش یا ترکیبی از اندیشه های برگرفته از این محیط و محیطی دیگر و غیره» (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۴۹).

البته این بدان معنا نیست که آثار ادبی به شکل تام باید بازتاب اوضاع اجتماعی زمان خود باشند. «نقل هنری شرایط و اوضاع با نقل تاریخی آن ها متفاوت است. تاریخ نگار آنچه را که می بیند یا از طریق مطالعه در می یابد به گونه ای صریح و گاه با تحلیل هایی که برخاسته از تجربیات و نگرش های تخصصی است بیان می دارد. برعکس هنرمند در خلق آثار خود احساسات خویش را بکار می گیرد و این احساس می تواند تحت تاثیر عواملی گوناگون و از جمله تحت تاثیر آن فضای - اجتماعی سیاسی و دیگر شرایطی قرار گیرد که وی را در خود گرفته است» (وحید، ۱۳۸۷: ۴۷).

بیان مساله اهمیت و اهداف آن:

با مطالعه ی ژرفانگر و علمی در برخی از آثار ادبی و نظری از جمله دیوان حافظ می توان دریافت که بسیاری از متون نثر و نظم در ادب فارسی صرفا دارای آثار و کارکردهای ادبی، ذوقی و هنری نبوده بلکه در بسیاری از موارد آثار و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی شخصی و... نیز داشته اند و این موضوع در اشعار حافظ به وضوح مشهود است.

بسیاری از مردم با نگرشی فال گرایانه به دیوان حافظ رجوع می کنند و شعر او را با مسایل اجتماعی فرهنگی و خانوادگی پیوند میزنند با توجه با آنچه گذشت سوال اصلی این پژوهش این است:

کارکردهای اجتماعی فال حافظ چیست؟

موضوع مذکور بنا به دلایل زیر دارای اهمیت است:

نخست: دیوان حافظ یکی از با ارزشترین آثار در ادبیات و سایر حوزه ها مانند جامعه شناسی ادبیات است.

دوم: مبحث فال و فال خوانی در حوزه ی ادبیات و جامعه شناسی ادبیات قابل طرح و بررسی است.

سوم: بررسی های مقدماتی نشان می دهد که فال حافظ در لایه ها و اقشار مختلف جامعه دارای

کارکردهای، فراغتی، مذهبی، ملی و ... است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و برگرفته شده از روش هرمنوتیک ویلهام دیلتای و ماکس وبر است. ابزار جمع آوری اطلاعات تکنیک اسنادی (بدون عکس العمل) شامل دیوان حافظ و دیگر آثار مرتبط با آن می‌شود.

پیشینه‌ی پژوهش

هر چند در زمینه‌ی تفال به دیوان حافظ آن تاکنون تحقیقاتی صورت گرفته اما در زمینه‌ی موضوع مورد بحث این نوشتار پژوهشی انجام نشده است. از مهمترین پژوهش‌هایی که به بحث تفال در دیوان حافظ پرداخته‌اند موارد زیر شایسته‌ی ذکرند: کتاب "باورهای عامیانه درباره فال حافظ" اثر محمود روح الامینی کتاب "الهاماتی از خواجه حافظ" اثر محمد وجدانی.

تفال و طالع بینی

آگاهی از سرنوشت و آینده مبهم و همت گماشتن و توجه به دانستن فرجام کارها از خصوصیات روحی نوع بشر و خواسته همیشگی او بوده و برای تحقیق این خواسته به وسایل مختلف متوسل شده و راه‌های گوناگونی را پیموده است. فال زدن از جمله این راه‌هاست. به گمان برخی تفال یا فال زدن راهیابی به دنیای مبهم آینده را میسر می‌کند در تعریف آن گفته شده « فال عبارت است از نیک و بد و سود و زیانی که وقوعش از شنیدن سخن یا آواز یا از دیدن حرکت یا هیات و یا گشودن و خواندن کتاب و یا ملاحظه‌ی نقوش و اوراقی مخصوص پیش بینی می‌شود» (وجدانی، ۱۳۵۱: ۱۰)

اعتقاد به غیب گویی و پیش بینی از دیر باز در بین مردم جهان و از جمله ایرانیان رواج داشته در ادبیات فارسی نمونه‌هایی از این اعتقادات منعکس شده است به عقیده‌ی فرخی سیستانی خداوند کار عالم را براساس فال بنا نهاده است.

خاصه فالی که زند چاکر و چون من چاکر

کار گیتی همه بر فال نهاده است خدای

(فرخی سیستانی، ۱۳۵۵: ۱۷۳)

توصیه به فال گرفتن نیز شاید براساس همین عقیده است:

جایی که روی به بخت میمون رو

کاری که کنی به فال نیکو کن

(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۳۵۶)

البته این اعتقاد نزد همه پسندیده و ممدوح نیست، سنایی بر این باور است که:

سخن فال گون ندارن سود
باد پیمود کاسمان پیمود
نیست الا به قدرت یزدان
نیک و بد در طبایع گردان
بی قضا خلق یک نفس نزند
مرد عاقل چنین جرس نزند
(سنایی ۱۳۷۷: ۷۰۴)

و نظامی پناه بردن به فال و استمداد از آن را نشانه عجز آدمی می‌داند:

چو عاجز شود مرد چاره سگال
ز بیچارگی در گریزد به فال
کلید آرد از ریگ و سنگی به چنگ
که آهن بسی خیزد از ریگ و سنگ
نظامی (۱۳۷۸: ۱۰۳۶)

عنصری نیز شرط بی نیازی از فال و فالگیری را ایمن بودن شخص بر هنرش می‌داند:

چو مرد بر هنر خویش ایمنی دارد
رود به دیده دشمن به جستن پیکار
نه رهنمای به کار آیدش نه اخترگر
نه فالگیر به کار آیدش نه خوابگزار
عنصری (۱۳۴۱: ۱۰۸)

مردم در طول تاریخ هر نشانه‌ای را که می‌توانسته با دنیای غیب ارتباط داشته باشد منشا فال می‌دانسته‌اند از قبیل حیوانات و پرندگان، اعضا و احشا قربانی، اختلاج حالات و رفتار انسانی و... فال کتاب نیز یکی از روش‌های تفأل بوده است از دیرباز تفأل زدن با هر کتابی معمول بوده است و ظاهراً فال زدن به کتاب و دیدن صفحه راست در سده‌های نخستین اسلامی رواج داشته است از جمله کتاب‌هایی که بیشتر در تفأل از آن استفاده می‌شده، قرآن، کتاب مشایخ، شاهنامه، مثنوی و دیوان حافظ است. صاحب جواهر تفأل به غیر قرآن را اگر منجر به صدور حکم قطعی و جز می‌نشود جایز می‌داند. (نجفی، بی‌تا: ۱۳۷)

فال قرآن یا استخاره از مضامینی است که در شعر فارسی بسیار استفاده شده است:

ز بهر روی تو فالی گرفتم از مصحف
برآمد آیت طوبی لهم و حسن مآب
مژده ای تاجور که ينصرک الله
(امیر معزی، ۱۳۶۲: ۸۵)
فال تو از مصحف دوام برآمد
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۴۵)
مگر وقت وفا پروردن آمد
که فالم لا تذرني فردا آمد
(حافظ، ۱۳۷۰: ۳۵۴)

البته درباره‌ی جواز یا عدم جواز تفأل به قرآن نظرات متفاوتی ارائه شده که مجال پرداختن به آن نیست از جمله گفته شده که «جماعتی منع کرده اند از مصحف فال گرفتن زیرا که احکام حق تعالی همه صدق و حق است» یواقیت العلوم، ۱۳۴۵: ۱۱۰). اما در بین کتابهای دیگر دیوان حافظ شهرتی بیشتر حاصل کرده است. این دیوان آنقدر زمینه‌ی مناسب و مضامین شعری قابل تعبیر برای فال دارد که روزگاری است جای هر کتاب دیگری را گرفته و تنها این گونه فال از دیوان حافظ گشوده می شود. مشابه فال کتاب و بخصوص فال حافظ در بین اقوام و ملل دیگر نیز مرسوم بوده «بطوری که یونانی‌ها و رومی‌ها این نوع را از کتاب هومر یا ویرژیل می گشوده اند و آن را فال هومر و یا فال ویرژیل می نامیده اند» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۲۷۰).

اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی عصر حافظ

ذکر شرایط سیاسی و اجتماعی زمان حافظ از این نظر لازم است که شعر او آینه‌ی تمام نمای زمانه و عصر اوست در ادبیات فارسی هرگاه سخن از ارتباط هنر و ادبیات با شرایط اجتماعی و ادبیات ملتزم و متعهد باشد نام حافظ در ذهن تداعی می شود. شیراز در عصر حافظ اوضاع و احوال یکسانی نداشت. دوره‌ی جوانی حافظ یا حکومت شاه ابوسعحاق اینجو همزمان بود جوانی و بیباکی و عیاشی و بی خیالی او را محبوب همگان کرده بود بطوری که شاعران، عصر شیراز را بهشت روی زمین می نامیدند و از همه جای شهر نوای طرب و عشرت رندان به گوش میرسید حافظ نیز بی نصیب از شاعر نوازیهای این شاه و وزیرش قوام الدین حسن (حاجی قوام) نبود. این سلطنت بی دوام که در دوره‌های بعد همگان آرزوی بازگشتش را داشتند دوره‌ی طلایی اهل ذوق و اندیشه به شمار می آمد دوره‌ای که نفوذ علما و زهاد آزادی عمل مردم را محدود نمیکرد اما افسوس که این دولت مستعجل به زودی به سرآمد و دوره‌ی سخت و سرد حکومت امیر مبارزالدین محمد آغاز شد. حاکمی که با سختگیری‌های خود شایسته‌ی لقب محتسب شده بود حافظ به روشنی در شعر خود سال‌های سیاه و وحشت آور این حکومت را ترسیم می کند او خود را در پس چهره‌ی اسطوره‌ای شعرش، رند، پنهان می کند تا از محتسب و شحنه در امان باشد زیرا نمی تواند تسلیم کسانی شود که قدرت را وسیله‌ای برای خفه کردن وجدان و دین را دامی برای عوام فریبی ساخته اند. لحن طنز آمیز کلام او نیز برخاسته از تناقض و تضادی است که در اطرافش میگردد «جامعه‌ی عصر حافظ یکی از بهترین نمونه‌های شکل گیری تناقض در ساخت جامعه است و شاید به عنوان نمونه رفتار امیر مبارزالدین را بتوان از بهترین نمونه‌های

تجسم این تناقض در بافت جامعه دانست. وقتی این تناقض‌ها با برخوردی هنری چه از سوی عوام و چه از سوی خواص تصویر شود طنز به معنی دقیق کلمه آشکار می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۰۹). بعد از امیر مبارزالدین محمد پسرش، شاه شجاع جانشین او شد. او با آن که از ادب بی بهره بود اما به عربی و فارسی شعر می‌سرود. در زمان حکومتش شیراز فرّ و شکوهی دوباره یافت و اهل علم و فضل آسودگی خاطر یافتند. پس از شاه شجاع، شاه منصور و سپس امیر تیمور به حاکمیت شیراز نائل شدند. حافظ همه‌ی این حکام و اعمال آن‌ها را از نزدیک دیده و تأثیر اعمال‌شان را در جامعه مشاهده کرده بود و با اوضاع و احوال آن‌ها آشنایی کامل داشت سه گروه عمده‌ی اجتماعی با احوال و افکار و رفتار خاص‌شان بخوبی در شعر حافظ ترسیم شده‌اند. گروه اول حاکمان خودکامه که گاه با رفتاری محتاطانه و به ظاهر مردم‌مدارانه و گاه مستبدانه و ستمگرانه نمایان می‌شوند گروه دوم، علما زهاد و قق‌ها هستند که چهره‌ای خوشایند از آن‌ها ترسیم نشده است. گروه سوم صوفیان و درویشان و عارفانند که گاه در اوج و گاه در حسیضند. «حافظ علاوه بر فضل و علمی که داشته از هوش و فکر دقیقی برخوردار بوده و حوادث را درست تحلیل می‌کرده و از همه مهمتر در زمان و در میان جامعه خود زندگی مینموده لهذا ریشه‌های حوادث ایام، اعمال قدرتمندان و تغییرات و تبدلات جامعه و عوض و بدل شدن اخلاق عمومی و رفتارهای فردی و روحیات و کیفیات نفسانی مردم، همه و همه را خوب میشناخته و با تعبیرات عارفانه‌ی خود به زبان شعر بیان میکرده است» (سمیعی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۳۳).

کارکردهای اجتماعی فال حافظ

از منظر نظریه‌ی کارکردگرایی و بسیاری از جامعه‌شناسان کارکردگرا از جمله رابرت مرتن پدیده‌های اجتماعی و بالطبع ادبی دارای کارکردهای متعدد آشکار و پنهان و یا مثبت و منفی هستند. (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۴۴). تفأل به دیوان حافظ یک سنت دیرینه و یک پدیده اجتماعی فراگیر در بین ایرانیان است. این عمل را «باید از مراسم گروهی و جمعی شمرد به این معنی که در موقعیتهایی چون چهارشنبه سوری، چهارشنبه آخر صفر، شب یلدا، تیر ماه سیزده شو و شب نشینی‌های خانوادگی و دوستانه است که معمولا از فال خوانی استقبال می‌شود در این گونه مجالس‌ها و مناسبت‌ها تنها صاحب فال نیست که با علاقمندی به فال خوان گوش میسپرد بلکه حاضران نیز با کنجکاوی سعی می‌کنند حدس بزنند که نیت صاحب فال چه بوده و با شنیدن غزل استنباط خود را که تصدیق خوب بودن فال است اظهار می‌دارند» (روح الامینی، ۱۳۶۹: ۳۷). ایرانیان به هنگام فال، زدن دیوان حافظ را در دست میگیرند و به بیان این جملات و یا جملاتی از این دست می‌پردازند: ای حافظ شیرازی، تو کاشف هر

رازی، ما طالب یک فالیم بر ما بنما رازی. عده ای هم می‌گویند: حافظ ای حافظ شیرازی، بر من نظر اندازی، من طالب یک رازم، تو کاشف هر فالی به شاخه نباتت قسم می‌دهم به قرآنی که در سینه داری، این فال مرا بگشای. گاهی می‌گویند ای حافظ شیرازی تو کاشف هر رازی به حق شاخ نباتت، به حق جام شرابت منظور خودت را از مراد ما بیان کن. بعد انگشت خود را لای دیوان می‌گذارند و باز می‌کنند. غزلی را که در صفحه سمت راست قرار دارد می‌خوانند و تفسیر می‌کنند. اگر مضمون غزل مثبت باشد فال را خوب و گرنه آن را بد می‌دانند.

در جامعه معاصر نیز تحت تاثیر عوامل متعدد از قبیل مشکلات خانوادگی، مشکلات اقتصادی و فرهنگی، مشکلات روحی و جسمی گرایش به فال و فال خوانی تا حد زیادی گسترش یافته است. انواع کارکردهای اجتماعی فال حافظ به قرار زیر است:

- آرامش بخشی:

از دیدگاه جامعه شناسی، در جوامع مختلف نمی‌توان سنت‌ها، مراسم و آداب و مناسکی را مشاهده کرد که کارکرد اجتماعی نداشته باشد و در کم کردن فشارها و تنش‌ها و ایجاد تعادل اجتماعی نقشی نداشته باشد از این رو کارکردگرایی شرکت در مراسم اجتماعی معین و یا بهره‌گیری از برخی سنت‌ها و پدیده‌های فرهنگی دارای تاثیر انسجام بخش و نمودی از همبستگی اجتماعی است. (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۴۱)

با شرکت در این مراسم و استفاده از چنین پدیده‌های مادی یا معنوی نوعی آرامش روحی و یا تخلیه‌ی بغض‌های اجتماعی حاصل می‌شود. مقبولیت تفال به دیوان حافظ نیز در طول زمان و در جوامع و ادوار مختلف نشان از تاثیر اجتماعی این رسم دارد. بیشتر غزلیات و اشعار حافظ مثبت‌نگر است و این ویژگی در زندگی خوب و پسندیده است. در روایات نیز به داشتن «حسن ظن نسبت به خدا و دیگران» سفارش شده است.

- بهبود روحیه فردی و اجتماعی:

از منظر جامعه شناسی ادبیات، هنر و ادب به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در تلطیف روان فردی و اجتماعی دارد و می‌تواند روحیه فردی و اجتماعی را در یک دوره‌ی تیره‌ی اجتماعی بالا ببرد که تا حدی بتواند در برابر جو طاق‌شکن سیاسی و اجتماعی تاب آورد و به حیات و موجودیت خویش ادامه دهد.

آن چنان که گفته شد حافظ در دورانی پر حادثه می‌زیسته که هر حادثه تاثیر خاص خود را بر

جامعه داشته و اوصاف و حالاتی را در نهاد مردمان بر جا گذاشته است. حافظ در قالبی جامعه شناسانه و روانکاوانه با مدد گرفتن از دولت قرآن به علل این حوادث و ویژگی‌های فردی مردمان معطوف شده و آن را در اشعارش منعکس ساخته است که قطعا این ویژگی‌ها و شرایط در هر زمان و مکان تکرار شدنی است یکی از دلایل مقبولیت و رواج کلام او نیز همین عامل است؛ زیرا از سویی ساختار و شرایط و ویژگی‌های شعری او بی نظیر و نادر است و از سوی دیگر روح اشعار او با روح و ذوق و عواطف ناخودآگاه خوانندگان منطبق و پاسخگوی امیال سرکوفته و آرمان‌های تاریخی آن‌هاست. «معرفت ملی و جامعه‌ای که حافظ مجسم کرده بطوری جاندار و مطابق با حقیقت آمده که امروز هر که بشنود به اشتباه افتاده، گمان می‌کند که گوینده یک شاعر زبردست معاصر است و در طول این مدت همین نکته یکی از علل رواج تفأل از دیوان او بوده و فی الواقع در میان هیچ یک از ملل متمدن دنیا چنین شاعر شیرین‌زبانی پیدا نمی‌توان کرد که از ششصد سال قبل راز آحاد و افراد ملتی را در سوی‌دای دلشان خوانده باشد و قلب ایشان را میان دو انگشت خود گرفته هر طوری می‌خواهد بگرداند» (هژیر، ۱۳۸۴: ۲۵). هرچند شعر حافظ فرزند زمان خویش است اما هر کس که دیوان او را بگشاید غم از خاطرش می‌رود و ناامید و پریشان نمی‌شود.

– افزایش نشاط و انرژی مثبت:

حافظ در غزلیاتش بیشتر مثبت نگر است که خصیص‌های خوب و پسندیده در همه زمان‌ها و مکان‌ها تلقی می‌شود. بی تردید این ویژگی در اقبال عمومی به دیوان او و تفأل بدان موثر است. در واقع شعر حافظ پاسخی است به پرسش‌هایی که همواره فرا روی جامعه شناسانی که در حوزه هنر و ادبیات تحقیق کرده‌اند وجود داشته است؛ این که هنر و ادبیات چگونه بر هنجارها، اعتقادات، ارزش‌ها، شیوه‌های زندگی، تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه و نحوه‌ی نگرش به جهان موثر واقع می‌شود و از سوی دیگر تاثیر جامعه بر رشد و تکوین و توسعه هنر ادبیات چگونه است. پاسخ جامعه شناسی هنر و ادبیات به این پرسش‌ها این است که یک اثر هنری و ادبی فرآورده یا تولیدی اجتماعی است یعنی آثار هنری و ادبی نه تنها از کارگزاران اجتماعی تاثیر می‌پذیرند بلکه موجب اثر اجتماعی نیز می‌شوند اما در رهیافت سستی، هنر و ادبیات معمولا پدیده‌ای رماتیکی مرموز و آفریده‌ی سرآمدها و نخبگان است. این رویکرد، هنر و ادبیات را پدیده‌ای برتر از هستی جامعه و زمان می‌شمارد. این پاسخ جامعه شناسی در شعر حافظ تجلی و نمود می‌یابد.

- کاهش و تسکین آشفتگی‌های روحی و اختلافات جمعی:

ادبیات به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در بازسازی آشفتگی‌های روحی و عاطفی و تلطیف روان انسان‌ها ایفا می‌کند. در این میان مراجعه به دیوان حافظ و مطالعه آن از مواردی است که تأثیراتش نه تنها قابل لمس بلکه حتی قابل سنجش است. کافی است به نحوه برخورد مردم با این دیوان، عادت به استفاده از آن در جمع و خلوت و نیز زمان و شرایط رجوع به آن اندکی دقت کنیم. معمولاً هنگامی مردم به دیوان حافظ روی می‌آورند که تنشی درون آن‌ها را نآرام می‌سازد و دلشوره یا دلواپسی از چیزی بی‌قرارشان می‌کند و یا خود را در چنگال یاس و ناامیدی می‌بینند و یا هنگامی که در جمعی اختلاف رای و عقیده راه به سوی تنش و کشاکش می‌گشاید که در این مورد به پیشنهاد یک نفر دیوان حافظ گشوده می‌شود تا هم حرف آخر از زبان او شنیده شود و هم نقطه‌ی پایانی خوش باشد.

«آری چنین نیست که همیشه هر کس هر نیتی بکند غزل موافق با واقع پدید آید و اگر گویی کرده باشد چنان شود و یا دستوری که دهد به نفع شخص باشد. تجربه‌ی این مطلب آسان است و محتاج به استدلال نیست ولی امری که هست آن است که این کتاب بیش از همه‌ی کتب در این امور موافقت نشان می‌دهد و به قدری مطالب غزلیات منبسط و وسیع است که هر غزل را می‌توان منطبق بر هزار مقصود و منظور کرد و از آن رو هر کس مقصود خویش را به بیانی وافی در آن می‌یابد و حتی گاهی اسامی اشخاص نیز پدیدار می‌شود که طالب اشارت انگشت تحیر به دندان خواهد گزید» (معین، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۹۵)

- آینده نگری (پیشگویی):

ممکن است بسیاری از ما حالت‌های روحی و حرکات ویژه‌ای را که افراد در هنگام زیارت مقبره حافظ و تفرّج به دیوان او دارند مشاهده کرده باشیم؛ حالت روحی خاصی که از نوعی تسلی خواهی آرامش طلبی و چاره جویی برای شنیدن سخنان امیدبخش از زبان حافظ حکایت دارد در باور عامه حافظ از نیت و نیاز همه خبر دارد. «لسان الغیب بودنش هم نه بدان معنی است که از عالم دیگر و ماورای طبیعت خبر داشته و برای مردم روی زمین خبر می‌آورد بلکه بدان معنی است که از غیب دل‌ها و نهانی‌های روان آدمی آگاه بوده و از دیدنی‌ها و شنیدنی‌های خود به رازهایی پی می‌برده که دیگران آن‌ها را نمی‌دیده و نمی‌شنیده‌اند. مهم‌تر از این بر زبانی بلیغ و سخنانی جامع و بدیع چیره بوده که می‌توانسته اندیشه‌ها و مکنونات ضمیر خود را چنان بیان کند که هر کس پندارد از دل او خبر می‌دهد و راز او را بر زبان می‌آورد» (سمیعی، ۱۳۶۱: ۳۲۲)

حافظ شناس معاصر بهالالدین خرمشاهی ضمن این که معتقد است بعضی از فال‌های حافظ راهبر

به حقیقت است، این ویژگی را عطیه‌ای می‌داند که خداوند به انسانی پاکدل، هنرمند حافظ قرآن و قرآن شناس مقری مثل حافظ عنایت کرده است. آنگاه در تایید نظرات خود می‌نویسد: «شعر حافظ کثیر الاضلاع است پر مضمون است، رشار از شادی و امید و نومیدی و دو پهلو و کلی گرایانه و تاویل پذیر و پر مضمون است و از همه چیز حرف می‌زند؛ از مسائل به اصطلاح دلخواه انسان‌ها حرف می‌زند از معنویات گرفته تا مادیات...» (خرمشاهی، ۱۳۸۳: ۳۷).

- کارکرد مشاوره ای:

شاید بتوان از دیدگاه روانشناسی اجتماعی نقش تفاعل با دیوان حافظ را با نقش مراکز مشاوره‌های روانی - عاطفی که امروزه به صورت گسترده به مردم خدمات می‌دهند مقایسه کرد. افراد پس از خواندن غزلی به نوعی احساس تسکین می‌کنند و یاس و حرمان جای خود را به امید و قوت قلب می‌دهد و در نتیجه آرامش درونی حاصل می‌شود. حافظ خود در اوج ناامیدی چنین می‌سراید:

هرچند کان آرام دل دامن نبخشد کام دل / نقش خیالی می‌کشم فال دوامی می‌زنم

(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۴۴)

«معمولا تنوعی که در مضمون‌ها اشاره‌ها و نماده (سمبل‌ها) و کلمه‌های غزل حافظ وجود دارد علاقه‌مند به فال را بی نصیب نمی‌گذارد. گاهی مضمون و اشاره چنان با نیت و آرزوی صاحب فال هم آهنگ جلوه می‌کند و غزل وصف‌الحال می‌آید که صاحب فال به اصطلاح جواب فال خود را می‌گیرد و آرامش می‌یابد» (روح الامینی، ۱۳۶۹: ۵۲)

و آنچنان که حافظ خود می‌گوید:

به ناامیدی از این در مرو بزن فالی / بود که قرعه دولت به نام ما افتد

(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۲۶)

با توجه به همین تاثیر روانی فال است که در احادیث به آن توصیه شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من رجعت الطیره عن حاجته فقد اشرك». هر کس که فال بد، او را از انجام کارش باز دارد شرک ورزیده است (قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۱۷۰).

و علی (ع) فرموده است: «و الْفَأَلُ حَقٌّ، وَ الطَّيْرَةُ يُلَيْسَتْ بِحَقٍّ» (نهج البلاغه: ۴۰۰).

در جریان برخورد مسلمانان با کفار مکه هنگامی که سهیل بن عمرو، به عنوان نماینده کفار به سراغ پیامبر آمد و حضرت از نام او آگاه گردید، فرمود: قد سهل علیکم امرکم؛ یعنی از نام سهیل من تفاعل می‌زنم که کار بر شما سهل و آسان می‌گردد. (مبیدی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۳۱۷) و بر همین اساس حافظ می‌گوید:

رخ تو در نظر آمد مراد خواهم یافت
چرا که حال نکو در قفای فال نکوست
(حافظ، ۱۳۷۰: ۶۵)

برخاست بوی گل ز در آشتی درآی
ای نو بهار ما رخ فرخنده فال تو
(همان: ۱۵۳)

مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد
نیت خیر مگردان که مبارک حالیت
(همان: ۱۶۲)

بدیهی است که «مدح فال نه از آن کرده اند که از او غیب بدانند لکن از آن کرده‌اند که در او حسن ظن است به خدای تعالی و خدای می‌گوید: "انا عند ظن عبدی بی". پس اگر مردی همواره فال نیک زند اگر راست آید فبها و نعمت و اگر در جهت امید به غلط افتد باری در اصل رجای به خدای تعالی مصیب بود» (یواقیت العلوم، ۱۳۴۵: ۳۳۸). بدین ترتیب روشن می‌شود که تفأل به دیوان حافظ به عنوان یک رفتار خاص اجتماعی تلقی می‌شود و به منزله‌ی راه‌گزینی در برابر استرس‌ها و فشارهای وارد بر روح و جسم افراد است؛ زیرا در غلبه به فشارهای روحی و جسمی، اندوخته‌ها و امکانات و نهادهایی که ریشه در قرن‌ها زندگی مادی و معنوی و سنن و آداب ناشی از آن دارند قطعاً بی‌تاثیر نیستند. انسان‌ها به شکل تجربی یاد گرفته‌اند که با کسی درد دل کنند و غمگساری چون حافظ داشته باشند تا با سخنانش خاطرشان تسلی یابد. این امر از نظر مکانیسم‌های اجتماعی و روانشناسی فردی بسیار مهم و اعجاب برانگیز است و اهمیت عوامل و اهرم‌های اجتماعی فرهنگی را در تقویت امکانات مردم برای مقابله با هیجان‌های مضر و تنش‌های روحی - روانی نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

انسان به عنوان موجودی اجتماعی است که در جامعه زندگی می‌کند و بدان نیازمند است، از آن متأثر می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد و بالاخره آثار و پدیده‌هایی خلق می‌کند که می‌تواند در تنگناها و رفتاری‌ها تکیه گاهش باشد. او نمی‌تواند خود را از امکانات برخاسته از باورها و آداب و رسوم مردمی و مدد گرفتن از عوامل فرهنگی، اجتماعی موثر در تنظیم و تعامل روانی - اجتماعی انسان‌ها بی‌نیاز بداند. نقش این گونه عوامل که در این مجال تفأل به دیوان حافظ به مثابه نمونه‌ای از آن مطرح گردید در تأمین سلامت روانی افراد جامعه بی‌شک موثر است.

منابع

- اسکیده‌مور، ویلیام (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه محمد علی حاضری، تهران: نشر سفیر.
- بی‌نام (۱۳۴۵). یواقیت العلوم، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پوینده، محمد جعفر (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: نقش جهان.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۰). دیوان، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: پژوهش.
- حکمت، تهران: امیر کبیر.
- خاقانی شروانی افضل‌الدین (۱۳۸۲). دیوان، تصحیح ضیا‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- خرم‌شاهی بهال‌الدین (۱۳۸۳). حافظ حافظه‌ماست، تهران: قطره.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۹). باورهای عامیانه درباره فال حافظ، تهران: پازنگ.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). از کوچه‌رندان، تهران: سخن.
- سمیعی، کیوان (۱۳۶۱). تحقیقات ادبی، تهران: زوار.
- سمیعی، کیوان (۱۳۶۷). مجموعه مقالات حافظ، شناسی گردآوری سعید نیاز کرمانی، تهران: پازنگ.
- سنایی ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۷۷). حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه تصحیح.
- شفیعی کدکنی محمدرضا (۱۳۸۶). زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران.
- عنصری ابو القاسم (۱۳۴۱). دیوان، تصحیح یحیی قریب، تهران: انتشارات بانک بازرگانی.
- فاضلی نعمت‌الله (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات علوم اجتماعی، ۷ و ۸.
- فرخی سیستانی ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۴۵). دیوان، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: اقبال.
- فروند، ژولین (۱۳۶۲). آرا و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: نشر دانشگاهی.
- القرطبی، محمد بن احمد الانصاری (۱۴۱۷). الجامع لاحکام القرآن، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ پنجم.
- قطران تبریزی، ابو منصور (۱۳۶۲). دیوان، تصحیح محمد نخجوانی، تهران: ققنوس.
- گلدمن لوسین (۱۳۷۶). جامعه، فرهنگ، ادبیات ترجمه محمد پوینده، تهران: نشر چشمه.
- مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- معزی محمد بن عبدالملک (۱۳۶۲). دیوان تصحیح ناصر هیری، تهران: مرزبان.
- معین محمد (۱۳۷۰). حافظ شیرین سخن، تهران: معین.
- میلدی رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۱). کشف الاسرار و عده الابرار، تصحیح علی اصغر.

نجفی محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، تصحیح عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی ج هفتم.

نظامی گنجوی (۱۳۷۸). کلیات تصحیح وحید دستگردی، تهران: بهزاد.

نهج البلاغه (۱۳۷۲). ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

هزیر عبدالحسین (۱۳۸۴). حافظ تشریح، تهران: اساطیر.

وجدانی محمد (۱۳۵۱). الهاماتی از خواجه حافظ، تهران: حیدری.

وحید، فریدون (۱۳۸۷). جامعه شناسی در ادبیات، تهران: سمت.